

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی-فرهنگی

فرستنده: احمد پوپل

۲۳ فیروری ۲۰۲۱

ابن دیلاق - ۱۱

پذیرائی بی همتا

تا ختم رسل دم جلوخان پائین شد از آن الاغ پزان
از کله بـرج خود سرافیل در صور دمید نفخ تهلیل
آنسان که ملایک سماوات گشتند میان غرفه ها مات
کاین دبدبه و جلال و تمکین وین عزت و زیب و فر و آئین
از بهر کسی در آسمان ها از روز ازل نگشته بر پا
آخر مگر این بشر چه بوده کاین طور دل از خدا ربوده
فخر است گرش به وحی و تنزیل کز نزد خدا رسانده جبریل
گر وحی به پشه ای رساند صد مرتبه بیش از این بداند
ناگاه خطاب آمد از حق کای خیل فرشتگان احمق
این عبد ذلیل با تمیز است زین روی به نزد ما عزیز است
آنهای دگر که در زمین اند در راه و روش نه این چنین اند
گویند که جلوه خدائیم در راه لقا و ارتقائیم
کفر است به نزدشان عبادت آن مبدأ و منشأ شقاوت

جلوخان : میدان جلو منزل، پیشخوان درگاه

سرافیل یا اسرافیل: نام فرشته مقرب خداست و حامل صور که در روز رستاخیز دو نوبت در شیپور خود اسرافیل می دمدم. در مرتبه اول همه زندگان می

میرند و در بار دوم تمام مردگان زنده می شوند

نفخ : دمیدن با دهان یا پف کردن ، باد شکم دم نفس

تهلیل : تسبیح کردن، لاله الا الله گفتن، فریاد خوشحالی، هلهله کشیدن

مات : حیران مبهوت سرگشته

فر(زه) : شکوه شوکت

ازل : مقابل ابد آنچه اول وابتداء نداشته باشد همیشه دیرینگی زمان بی ابتداء

تنزیل : فروفرستادن (قرآن) نازل کردن تدریجی

جلوه : تابش انوار الهی (تجلی) اشکار کردن، ظاهر ساختن، نمایش دادن

لقا: دیدار کردن ، دیدار (خدا)
شقاوت: نکبت و خواری، بدبختی، پریشانی